

زشتی و نکوهش تهمت از نظر

قرآن

مسلمانان نمی‌توانند در برابر متهم شدن افراد بیگناه سکوت کنند ، باید تهمت زنده را سر جای خود بنشانند

۱- ایداء و اذیت بدون استحقاق، بهتان
شمرده شده و دلیل آن اینست که شخص
آزاردهنده ، تنها هنگامی به لک‌آزار کسی
می‌افتد که قبلاً برای او نزد خود جرمی برای
او تراشیده باشد مثلاً می‌گوید چرا این کار
را انجام داده‌است ؟ و چرا آن کار را انجام
نداده‌است و باین ترتیب او را نزد خویش
مقصر و گناهکار می‌پندارد درحالیکه این
کار و یا آن کار را انجام نداده و او جرمی
نداشته‌است و او تنها مرتکب بهتان آشکار
گرفته‌است (۱)

قرآن ، «بهتان» را یکی از گناهان آشکار
و ایداء و اذیت بغیر رایکی از مصادیق آن
می‌داند چنانکه در سوره احزاب / ۵۸
چنین می‌گوید: «وَالَّذِينَ يُوْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا
بِهَتَانًا وَاِثْمًا مُّبِينًا» آنهایی که مردان و
زنان باایمان را ، بی گناه و بدون جهت
رنجانیده و آزار دهند دانسته و بعد ،
مرتکب بهتان و گناه بزرگی میشوند .
این آیه شریفه بنگاتی چند اشاره می‌کند
از جمله :

و در حقیقت برای نابودی انقلاب اسلامی انجام می‌شود و در حقیقت ترور شخصیت می‌گردد تا بتوانند علاوه بر شخصیت بهارز انقلابی، ایجاد کنند و در نتیجه بمقاصد پلید سلطه بر جامعه مسلمان و اجرای نقشه‌های خطرناک استعمار برسند.

از این رو در آیات قرآن، دو تعبیر جالب بر معنی می‌بینیم:

اول: اینکه در برخی از آیات مثل این آیه: «وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْثَمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيثًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَأَثَمًا مِثْلًا» (۳) یعنی هر کسی خطا یا گناهی مرتکب شود سپس بی گناهی را متهم سازد بار بهتان و گناه آشکاری بر دوش گرفته است» تعبیر لطیفی در این مورد بکار رفته است و آن جمله (برم به بریثا) می‌باشد یعنی اینکه گناه را بطور کلی و از جمله بهتان و تهمت را بمنزله تیری می‌داند که بسوی هدف پرتاب می‌شود اشاره باینکه همانطوری که در میدان کارزار تیراندازی باعث از بین رفتن انسانها و ریختن خونهای پاک می‌گردد و همچنین تهمت و بهتان مثل سایر گناهان باعث از بین رفتن آبروی يك فرد بمنزله خون زندگی او است شده آنرا در معرض نابودی قرار می‌دهد و در حقیقت قرآن با این تعبیر روشنی و مفهومی بهتان و اینکه با حیات و اساس زندگی و خوشبختی

۲- قرآن بهتان را در آیه بالا و آیه ۲۰ سوره نساء، گناه آشکار (اثمًا مبینًا) تعبیر آورده است و جهت آن اینکه التراء و بهتان از جمله اعمال زشت و ناپسندی است که عقل مستقلا حکم به ناپسندی آن می‌دهد و نیازی به ورود نهی از شارع مقدس نیست و به اصطلاح علماء علم اصول حکم بزشتی آن از مستقلات عقلی محسوب می‌شود و بدین ترتیب قرآن زشتی و پلیدی افتراء و بهتان را از فطریات انسان می‌داند و زشتی و پلیدی آنرا محتاج به استدلال و اقامه برهان نمی‌داند چنانکه هرانسانی، ظلم و ستم بغیر از مطابق فطرت اولیه خود آنرا بدو ناپسند می‌داند و همچنین است افتراء و بهتان بدیگری (۲).

* * *

آیا می‌دانید چرا قرآن بهتان را يك عمل زشت و ناپسند می‌داند ؟ و آنرا با صراحت تمام مورد مذمت قرار می‌دهد ؟ برای اینکه باین کلمه تهمت، آبروی يك انسان محترم و با شخصیت که سالیان زیادی آنرا با تحمل مشقات و زحمات بدست آورده است و بمنزله خون برای زندگی وی می‌باشد چه بسا بر باد می‌رود چنانکه امروزها از ناحیه دشمنان انقلاب اسلامی بدون درك مسئولیت شرعی از روی غرض و مرضی تنها برای کوبیدن افراد لایق و سالم و با آبرو

۲- همان مدرك سابق

۳- سوره نساء آیه ۱۱۲

حال برای اینکه خوانندگان اهمیت این سنگینی بار گناه دیگران را در گردن خود درک کنند روایتی است که در این مورد از امام صادق (ع) وارد شده است که ذکر آن در اینجا بی‌مناسبت نیست.

«الجهنم علی البرئی اقل جبال راسیات» (۳) یعنی «تهمت زدن با افراد بی گناه از کوههای عظیم نیز سنگین‌تر است».

چنانکه ملاحظه می‌کنید امام صادق (ع) برای اینکه سنگینی گناه عمل بهتان را که غیر محسوس است برای مسلمانها خوب تجسم کند آنها را بمحسوس تشبیه کرده که هر انسان معمولی نیز می‌تواند آنها را بخوبی درک نماید زیرا هر انسانی در هر مرحله از ادراک که باشد سنگینی کوههای عظیم و هول‌پیکر را خوب می‌تواند تصور کند و باین ترتیب زشتی بهتان را نیز بخوبی نزد خود مشخص می‌سازد.

روی همین ملاحظه است که علی (ع) عمل بهتان و زشتی آن را به سنگینی آسمان که همواره در برابر دیده‌های انسانها قرار دارد و عظمت و بزرگی و سنگینی آن برای همه مشهود است تشبیه کرده می‌فرماید: «الجهنم علی البرئی اقل من السماء» «بهتان بر شخص بی گناه (زشتی آن) از آسمان سنگین‌تر است».

و بدبختی انسان سرکار دارد اشاره می‌کند. این آیه باینکه دیگری نیز دارد و آن اینکه «خطیئه» هر گناه اعم از عمد و غیر عمد را در بر می‌گیرد زیرا هیچگونه گناهی (اعم از عمد و غیر عمد) با روح سلیم انسان سازگار نیست و اگر از او سر بزند در واقع باین نوع لغزش و خطا است که شایسته انسان آزاد و سمادت طلب نیست و لسی «اثم» معمولاً به گناهان عمدی و اختیاری گفته می‌شود و در اصل «اثم» بمعنای چیزی است که انسان را از کار باز می‌دارد و از آنجا که گناهان از جمله تهمت و افتراء آدمی را از کارهای نیکو باز می‌دارد با آنها اثم گفته شده است.

و تعبیر دوم در قرآن در مورد تهمت، جمله «فقد احتمل بهتاناً» در سوره نساء و جمله «فقد احتملوا بهتاناً» در سوره احزاب می‌باشد و آن اشاره به سنگینی و دوام مسئولیتی است که عمل بهتان بر دوش هر انسانی ایجاد می‌کند و در حقیقت با بهتان بغیر، بکثرت سنگینی و مسئولیتی بسیار بزرگ بر عهده بهتان‌زننده گذارده می‌شود که چه بسا تحمل آن طاقت‌فرسا است.

آیا هیچ آدم عاقلی صحیح می‌داند که خود را زیر دین و مسئولیت خطیر عذاب‌آور و بدبختی زای بهتان و تهمت قرار دهد؟

۳- سفینه البحار ج اول ماده بهت

(۳) سفینه البحار ج اول ماده بهت

بهتان عظیم « چرا هنگامی که بیانات منافقین را (در مورد بد گوئی و بهتان پیامبر گرامی اسلام و سایر مسلمانان) شنیدید نگفتید که جایز نیست چنین سخنانی لب بکشائیم ، منزه است ذات اقدس خداوند و این دروغ و بهتان بزرگی است .

و ناگفته پیدا است که تبری مسلمانان از شخص بهتان زنده یک حکم تعبدی نبوده موضوعیت ندارد بلکه وسیله ای است برای تحقق اهداف بزرگ اسلام و یکی از این اهداف ایجاد روابط سالم در زندگی اجتماعی جامعه مسلمین که همه افراد با چنگ زدن بر ریسمان محکم توحید ، بتوانند زندگی سعادتمندانه را ادامه دهند .

و بدیهی است که بهتان مثل سایر صفات زشت مثل دروغ و حسد و ریا و ... یکی از موانع مهم این ارتباط سالم در جامعه است و باید از بین برود و قرآن نیز برای تحقق این آرمان بزرگ اسلام بصورت های مختلفی عمل می کند مثلاً در جائیکه می خواهند با بهتان و تهمت حق زن را ضایع کنند جداً از زن و حقوق مشروع وی دفاع می نماید و در حقیقت از شأن انسانیت بدلساح برمی خیزد در قرآن مجید می فرماید : « و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آیتیم احد یهن لظناراً فلا تأخذوا منه شیئاً اتأخذونه بهتاناً واثماً مبیناً » (۴)

« اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگری بجای او اختیار کنید و مال بسیاری،

و وظیفه مردم در قبال تهمت به-
دیگری

در اینجا سؤالی پیش می آید و آن اینکه در مقابل بهتان برد دیگری بویژه بر رهبری امت اسلام چه رویه ای را باید در پیش گرفت و مسلمانان در قبال این اشخاص متعلقه و بهتان زنده چه وظیفه ای دارند ؟

باید بی تفاوت بود و دست روی دست گذاشت ؟ یا اینکه عکس العمل مستناسب از خود بروز دهند و در حقیقت بهتان زنده را تأدیب نمایند و او را بجاده ی هدایت راهنمایی کنند ؟

قرآن در این مورد روش قاطع خود را به این نحو اعلام می دارد که باید مسلمانان شخصی را که بهتان بر دیگران بخصوص بر رهبری امت می زند مورد توبیخ قرار قرار دهند و از طریق فشار افکار عمومی ، او را بر اه حقیقت بیاورند و این طریق اصلاح بهترین و قاطع ترین و در عین حال آسان ترین راهی است که می تواند با اصلاح خود و در نتیجه جامعه بیاورد و برای اینکار اسلام وظیفه ی توبیخ و سر زدن و تبری از شخص بهتان زنده را برای هر فرد مسلمان مقرر می دارد .

خدا در قرآن می فرماید : « ولولا ان سمعتم و قلتم ما یکون لنا ان نکلّم بهذا سبعانک هذا

(۴) اثنی عشره ص ۲۵۰

(۵) سوره نور ص ۱۶

(۶) سوره نسا آیه ۲۰

یعنی: «و چگونه آنرا باز پس می گیرند در حالیکه شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید) مجدداً با استفهام انکاری برای تحریک عواطف انسانی مردها اضافه میکند که شما و همسران تن مدت ها در خلوت و تنهایی با هم بوده اید همانند یک روح درد و بدن ارتباط و آمیزش کامل داشته اید چگونه بعد از این همه نزدیکی و ارتباط همچون بیگانه ها و دشمنان با یکدیگر رفتار می کنید و یکدیگر بهتان می زنید و حقوق مسلم همسران را باهمال می کنید؟ سپس می-فرماید: «از این گذشته همسران شما پیمان محکمی بهنگام عقد ازدواج از شما گرفته اند چگونه این پیمان مقدس و محکم را نادیده می گیرید و اقدام به پیمان شکنی و بهتان و افتراء می کنید؟

باز قرآن در جای دیگر در مقام دفاع از مریم و رفع بهتان از او کسانی را که با او نسبت زنا می دادند چنین می گوید: قولهم علی مریم بهتاناً عظیماً» (۸)

(و نیز) بخاطر تهمت بزرگی که بر مریم زدند (یعنی بنی اسرائیل در راه کفر آنچنان سریع تاخنتند که به مریم پاکدامن، مادر پیامبر بزرگ خدا، که بفرمان الهی بدون شوهر، باردار شده بود تهمت بزرگی زدند). این آیه گرچه در مورد مریم مادر عیسی می باشد ولیکن در حقیقت، دفاع از شرف و حیثیت و حقوق مشروع اولیه هر زنی بلکه هر انسان محترمی است که نباید مورد تهمت و افتراء قرار بگیرد.

مهر او کرده اید البته نباید چیزی از مهر او باز گیرید آیا بوسیله ی تهمت زدن بزن مهر او را می گیرید، و این گناهی فاحش و زشتی اینکار آشکار است».

مفسران در شأن نزول این آیه چنین می نویسند که: پیش از اسلام، رسم بر این بود که اگر می خواستند همسر سابق را طلاق گویند و ازدواج جدیدی کنند برای ترار از پرداخت مهر، همسر خود را به اعمال منافی عفت متهم می ساختند و بر او سخت می گرفتند تا حاضر شود مهر خویش را که قبلاً دریافت داشته بهردازد و طلاق بگیرد و همان مهر را برای همسر دوم قرار می دادند، آیه فوق شدت از اینکار زشت جلوگیری کرده آنرا مورد نکوهش قرار می دهد (۷)

چنانکه مشاهده می کنید این آیه برای حمایت از حقوق زنان نازل گردیده به عموم مسلمانان دستور می دهد که بهنگام تصمیم بر جدائی از همسر و انتخاب همسر جدید حق ندارند چیزی از مهر همسر اول خود کم بگذارند و یا اگر پرداخته اند آنرا با بهانه های واهی از طریق تهمت و بهتان و... پس بگیرند. هر قدر هم که مهر زیاد باشد که از آن تعبیر «به قنطار» (مال کثیر و ثروت زیاد) شده است و در تاکید این گفتار بالا در ذیل همین آیه می فرماید: (و کیف تأخذونه وقد افضی بعضکم الی بعضی).

(۷) تفسیر صافی ذیل همین آیه

(۸) سوره نساء ۱۵۶

مکتب اسلام